

## اتهام قتل مرد ایرانی

## به گردن ۲ همدست فراری

**مرد افغان که سه سال قبل در جریان سرقت یک گوشی تلفن همراه مر تکب قتل شده بود روز گذشته در جلسه محاکمه اتهام**

**را به گردن دو همدست فراری اش انداخت.**
به گزارش خبرنگار ما، بیست وششم شهریورماه سال ۹۳، مأموران کلانتری ۱۱۶ مولوی از قتل مرد جوانی در خانه‌اش باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به مرد ۲۳ساله‌ای به نام غدیر بود که بر اثر ضربه چاقو کشته شده بود. در بررسی صحنه جرم معلوم شد که تلفن همراه مقتول سرقت شده‌است. همچنین مشخص شد که عامل یا عاملان قتل بدون اینکه موفق به سرقت بیشتر شوند از محل متواری شده بودند. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات در این باره به جریان افتاد. دو ماه بعد، مأموران پلیس با ردیابی تلفن همراه مقتول موفق شدند مردی افغان به نام عزت را شناسایی و بازداشت کنند. او گفت روز حادثه با انگیزه سرقت همراه دو هموطنش وارد خانه مقتول شده بود، اما نمی‌داند که چه کسی مر تکب قتل شده است، با کامل شدن تحقیقات و در حالی که تلاش‌ها برای بازداشت دو همدست او با ن‌بست مواجه شده بود بازپرس براساس محتویات پرونده مرد ۳۰ ساله را به جرم قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه وی صادر و به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی فرستاده شد.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، و کیسل اولیای دم در خواست قصاص کرد در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: «دوستم جابر به افغان بود و روزی با حرف‌هایش مرا خام کرد و خواست با سرقت در آمد بیشتری داشته باشیم. بعد از آنکه به ایران آمد مشغول کار خیاطی شدم. تا با سرقت از خانه غدیر که مردی ایرانی بود پول خوبی به جیب بزنیم. غدیر را از قبل می‌شناختم و می‌دانستم در خانه تنها زندگی می‌کند.» متهم در خصوص شب حادثه گفت: «آن شب من و جابر به همراه دوستش که او هم تبعه افغان بود مقابل خانه غدیر رفتیم، اما من سر کوچکه ایستادم و در حال کشیک بودم. جابر به‌همراه دوستش داخل خانه مقتول رفتند و بعد از ۱۰ دقیقه بیرون آمدند. آنها فقط یک گوشی موبایل دزدیده بودند که آنرا هم به من ندادند.» متهم در ادامه گفت: «بعد از سرقت تا پارک شوش پیساده رفتم، اما جابر حرفی از در گیری با مقتول نزد به همین خاطر نمی‌دانستم غدیر کشته شده‌است. احتمال می‌دهم قتل کار آنها باشد و حالا هم نمی‌دانم کجاستند.» بعد از این توضیحات، ریاست دادگاه با رد ادعای متهم درباره دستگیری وی از طریق ردیابی گوشی مقتول سؤال کرد که متهم سکوت کرد. در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

## پزشک قاتل

## از چوبه دار فاصله گرفت

پزشک ایرانی مقیم اسکاتلند که سه اتهام قتل پدرش در بازداشت به سر می‌برد موفق به جلب رضایت اولیای دم شد.
به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مأموران کلانتری فلپک از مرگ مشکوک مرد ساخوردای در یکی از بیمارستان‌ها با خبر و راهی محل شدند. مأموران در بیمارستان با جسد مرد ۷۰ساله به نام بهرام روبه‌رو شدند که بر اثر ضربه مغزی جان باخته بود. بررسی‌ها نشان می‌داد مرد فوت شده ۱۹درادماه امسال در حالی که از ناحیه سر آسیب دیده به بیمارستان منتقل شد، اما در نهایت پس از گذشت چهارماه بستری به کام مرگ می‌رود.
مختر بهرام با شکایت از بردارش به اتهام قتل پدرش در بازداشت به سر می‌برد. اسکاتلند است و همان جا مدرک پزشکی‌اش را گرفت. مدتی قبل به تهران آمد و زنی را صیغه کرد. او خانه پدرم را به مبلغ ۷۰۰میلیون تومان فروخت و برای خودش خانه‌ای خرید. پس از این پدرم همراه او زندگی می‌کرد تا اینکه باخبر شدم برادرم تمامی دلاره‌های پدرم را که حدود ۳۰۰هزار دلار بوده گرفته و همچنین از پدرم خواسته سکه‌ها و اموال قیمتی‌اش را به او بدهد که پدرم مخالفت کرده و با هم در گیر شده‌ان. وی ادامه داد: پدرم در بیمارستان به من گفت روز حادثه کامران با شیشه نوشابه به سرش ضربه زده است. پس از طرح این شکایت متهم به دستور بازپرس پرونده بازداشت شد.

وی ابتدا در بازجویی منکر قتل پدرش شد و در ادعایی گفت: مدتی قبل پدرم را بسرای تفریح به شمال کشور بردم که آنجا پایش لغزید و با سر به زمین خورد و سرش آسیب دید. او را به بیمارستان بردم و تحت درمان قرار دادم تا اینکه روز حادثه به خاطر وضعی با هم مشاجره کردیم و ناگهان حالتش بد شد که او را به بیمارستان رساندم، اما متأسفانه فوت کرد.

متهم در ادامه وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت: من قصد قتل پدرم را نداختم. روز حادثه با پدرم درگیر شدم. وقتی درگیری با ما بالاگرفت خیلی عصبانی شدم و با دست سبیلی محکمی به صورتش زدم که ناگهان حالش بد شد و او را به بیمارستان رساندم.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت صبح دیروز دو خواهر متهم به دادسرای امور جنایی آمدند و برادرشان را به شرط پرداخت دیه یخشیدند.

غدیر شیخ‌جو، قاتل سریالی که ۲۰سال قبل به اتهام قتل ۳ زن و ۲ مرد بازداشت شده بود سرانجام در زندان رجایی شهر اعدام شد.
به گزارش خبرنگار ما، قاتل سریالی در نخستین جنایت خود شهریورماه سال ۱۳۷۴ مادر و دختری را به نام‌های زهرا و آزاده در خانه‌شان حوالی خیابان فرجام در شرق تهران به قتل رساند. وقتی بازپرس جنایی همراه مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شدند، در یافتند قاتل یا قاتلان با روسری این مادر و دختر را خفه کرده‌اند. بررسی‌های کارآگاهان جنایی نشان داد در ورودی خانه سالم‌است که حکایت از این حادثه عامل یا عاملان این جنایت با مقتولان آشنا بوده و بدون هیچ درگیری وارد خانه شده و در فرصت مناسب اقدام به قتل کرده‌اند. مأموران در تحقیقات میدانی از همسایه‌ها و شوهر زهرا هیچ ردیابی از قاتل پیدا نکردند.

### قتل دختر جوان به شیوه مشابه

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه همچنان ادامه داشت مأموران پلیس فروردین‌ماه سال ۷۵ جسد دختر جوانی به نام سحر را در یکی از باغ‌های اطراف کرج کشف کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت سحر که مشکل اخلاقی داشته از سوسی قاتل یا قاتلان به باغ متروکه کشانده‌شده و پس از سرقت اموالش به قتل رسیده است. مأموران در بررسی‌ها تخصصی ریافتند قتل سحر شباهت زیادی به قتل زهرا و آزاده دارد و با روسری و به همان شیوه به قتل رسیده‌است. بنابراین این فرضیه برای مأموران قوت گرفت که به‌احتمال زیادی قاتل این سزن، یک‌کنفر است. در چنین شرایطی مأموران برای دستگیری قاتل زنجیرهای تحقیقات گسترده‌ای را انجام دادند، اما باز هم موفق به شناسایی قاتل این سزن نشدند.

### قتل مرد میانسال با سلاح جنگی

اوایل سال ۷۶ بود و یک‌سال از کشف جسد سحر در باغ‌های اطراف کرج گذشته بود و مأموران همچنان در جست‌وجوی قاتل فراری بودند که در جریان قتل مرد

# حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

# قاتل سریالی دهه ۷۰ اعدام شد



میانسالی در جنوب تهران قرار گرفتند. مأموران در محل حادثه که آب‌انبار خانهای در جنوب تهران بود با جسد مرد میانسالی به نام محمد حسین روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله به قتل رسیده بود. بررسی‌های مأموران نشان داد قاتل یا قاتلان پس از قتل صاحبخانه اموال او را اسرقت کرده و بدون گذاشتن هیچ ردیابی از محل گریخته‌اند.

### قتل در محل یامنار

مأموران در تحقیقات این قتل هم موفق به شناسایی قاتل نشدند تا اینکه تیرماه سال ۷۶ بود که مأموران، از قتل مرد جوانی به نام محمد در حوالی یامنار تهران با خبر و راهی محل شدند. بررسی مأموران حکایت از این داشت که مقتول رابطه صمیمی با چند نفر از دوستانش داشته و روز حادثه ما به یکی از آنها به نام غدیر شیخ‌جو دیده شده‌است. بنابراین مأموران به دوستان مقتول مظنون شدند و آنها را بازداشت کردند. در نهایت غدیر در بازجویی‌های ف به قتل محمد اعتراف کرد.

# سرت از زنان و دختران با وعده ازدواج

کیفدستی‌ام را بررسی کردم از کارت عابر بانکم خبری نبود. احتمال دادم که محسن آن را در تاریکی سنان سینما برداشته و حسابم را خالی کرده باشد. او تنها کسی بود که رمز کارت من را می‌دانست. چند روز قبل به پناهه انجام یک کار اینترنتی رمز کارت‌م را در اختیارش گذاشتم به خاطر همین با محسن تماس گرفتم، اما گوشی تلفن همراهش خاموش بود. از آن زمان دیگر به تماس‌هایم جواب نمی‌دهد و از او شکایت دارم. بعد از مطرح شدن شکایت بود که پرونده‌های مشابهی از کلانتری‌های شهر به پایگاه‌سوم پلیس آگاهی تهران ارجاع شد. بررسی شکایت‌های مطرح شده حکایت از این داشت که متهم همه بزرگه‌ها و همسرهای مردی است که از اولین ششای سرقت کرده است. او با وعده ازدواج زنان و دختران را فریب داده و در فرصتی مناسب پول یا طلاهای آنها را سرقت می‌کرد.

یکی دیگر از شاکیان گفت: متهم خودش را به نام خلیل رضاپور به من معرفی کرد. آن روز به عیادت یکی از بستگانم در بیمارستان رفته بودم. مردی که در سال انتظار کنارم نشسته بود شروع به گلابه درباره نحوه رسیدگی به بیماران شد. او گفت که می‌تواند برای تأمین

اختلاف پیدا کردیم و به همین دلیل تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. شهریورماه بود که با نقشه قبلی به خانه‌شان رفتم و از آنجایی آزاده دخترش در جریان دوستی من با مادرش بود احتمال دادم او سرا به جرم قتل مادرش لو بدهد به همین دلیل هر دوی آنها را به قتل رساندم و از محل گریختم.

متهم در توضیح سومین جنایت خود گفت: پس از قتل دختر و مادر با دختر دیگری به نام سحر دوستم شدم. چندماهی از دوستی ما گذشته بود تا اینکه فروردین‌ماه سال ۷۵ او را همراه یکی از دوستانم به نام محرم علی به باغ مترو که‌ای در حوالی کرج بردیم و پس از آزار و اذیت او را به قتل رساندیم. وی درباره چهارمین و پنجمین قتل هم گفت: فروردین‌ماه سال ۷۶ محمد حسین را در آب انبار خانهاش به خاطر سرقت اموالش با اسلحه جنگی به قتل رساندم و سه‌ماه پس از آن هم تصمیم داشتم همراه محمد، دختر جوان دیگری را به قتل برسانم که محمد مخالفت کرد و به خاطر اینکه‌راز قتل‌هایم فاش نشود او را هم به قتل رساندم. متهم در ادامه سه‌مدست خود را لو داد و مأموران هم همدستان وی را به نام‌های محرملی، هادی و علی را دستگیر کردند. سه‌متهم در بازجویی‌ها به سرقت مسلحانه‌ها همدستی غدیر اعتراف کردند.

متهمان پس از تحقیقات تکمیلی در دادگاه جنایی تهران محاکمه شدند. قاضی دادگاه غدیر را به اتهام پنج‌فقره قتل به پنج‌اثر اعدام محکوم و به اتهام سرقت و تجاوز به شراق و حبس محکوم کرد. سه همدست متهم ردیف اول نیز به اتهام معاونت در قتل و سرقت به حبس و شلاق محکوم شدند. حکم اعدام متهم پس از تأیید در شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد. قاضی محمد شهریار، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران گفت: متهم پس از سیر مراحل قانونی اجرای حکم چند روز قبل در زندان رجایی شهر کرج با چوبه دار قصاص شد.



هزینه درمان برایم با هم‌با در صد خیلی پایین تهیه کند. من هم به خاطر نیازه که به پول داشتم پیشنهاد او را قبول کردم. بعد از چند جلسه ملاقات او من به پیشنهاد ازدواج داد که قبول کردم، اما در یکی از ملاقات‌هایم اطلاع‌هایم را سرقت کرد و از آن زمان دیگر به تماس‌هایم جواب نداد. در شاخه دیگری از تحقیقات تصویر متهم در اختیار مراکز درمانی و پلیس مترو قرار گرفت تا اینکه ۲۳درماه کارکنان بیمارستان ششکای می‌توانند برای طرح شکایت دادند که متهم در حال پرسه‌زنی در بیمارستان است. بنابراین مأموران پلیس راهی محل شده و متهم را قبل از خروج بازداشت کردند. متهم ۲۵ساله که ر ضاخ نام دارد در بازجویی‌ها د، جرمش ششهرک اعتراف کرد. سرهنگ کارآگاه محمد نادر بیگی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: برای شناسایی شاکیان بیشتر دستور انتشار بدون پوشش تصویر متهم از سوسی باز پرس صادر شده است. بنابراین ششکای می‌توانند برای طرح شکایت به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان خرمشهر – میدان نیلوفر مراجعه کنند و اطمینان داشته باشند که هویت آنها به صورت محرمانه نزد پلیس محفوظ باقی خواهد ماند.

# متهم: کاش این حادثه یک رؤیا بود



برای امنیت بیشتر همیشه یک چاقو همراه داشتم. در آن لحظه نیز برای ترساندن مقتول چاقو کشیدم. او در حالی‌که کمربند را در هوایم چرخاند به سمت ما پرتاب شد و ناخواسته چاقو رو سینه‌اش شد.»

با اقرارهای متهم پرونده کامل و به شعبه دم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، اولیای دم در خواست قصاص کردند سپس متهم با دیگر حادثه را شرح داد. در پایان هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع متهم به تحقیق از شاهدان حادثه متهم را به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما از سویی قضات دیوان رأی را نقض کردند و پرونده را به شعبه رسیدگی کننده ارجاع دادند. به این ترتیب روز گذشته متهم مقابل قاضی قربان‌زاده پای میز محاکمه ایستاد. بعد از قرائت کیفرخواست، اولیای دم گفتند که خواسته‌شان قصاص است. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «باور کنید قصد کشتن افشین را نداشتم. آن شب او حالت طبیعی نداشتم و

### دسته چک معتادان

### در جیب کلاهبرداران کالا



دو مرد فریبکار که با اوراق شناسایی معتادان اقدام به تهیه دسته چک و کلاهبرداری از فروشندگان کالا می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما،

یکی از شاکیان پرونده مردی است که در زمینه خرید و فروش تجهیزات ورزشی فعالیت می‌کند او دهم همراه وارد شعبه اول دادسرای شهر ری شد و در توضیح شکایت خود به قاضی گفت:

یک‌ماه قبل مردی با فروشگاه من تماس

گرفت و سفارش خرید چند دستگاه ورزشی از جمله میز بیلیارد، میز پینگ‌پنگ و چند دستگاه دیگر داد که قیمت آن در مجموع ۱۲۰ میلیون تومان می‌شد. بعد از گرفتن سفارش آن مرد به فروشگاه من آمد و چند فقره چک به ارزش ۱۲۰ میلیون تومان به من داد و خواست که سفارش او را به انبارش که سوله‌ای در خاور شهر، خیابان صنعت ۲ بود، برسانم. که قبول کردم. وقتی موعد چک‌ها رسید و به بانک رفتم متوجه شدم که یکی از چک‌ها سرقتی و بقیه هم بی‌محل است، بنابراین از بانک خارج شده و به آدرس سوله‌ای که در خاور شهر داده بودم، قدم صاحب سوله گفتم که آن‌جا را به مدت یک‌ماه اجاره داده بود و هیچ آدرسی از مردی که محل اجاره کرده بودم، نندار.

بعد از مطرح شدن شکایت، پرونده به دستور قاضی در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. کارآگاهان در اولین گام متوجه شدند که صاحب حساب چک‌های می‌محل یکی از معتادان خیابان شوش است. آنها بعد از شناسایی مرد معتاد از او تحقیق کردند. او گفت: من به مصرف مواد اعتیاد شدیدی دارم. مدتی قبل اوراق شناسایی‌ام را به قیمت ۳۰هزار تومان به یک‌فرد فروختم و با پول آن مواد کشیدم و از خریدار اوراق هم خبر ندارم.

تحقیقات بعدی پلیس نشان داد که شکایت‌های مشابهی در کلانتری‌های تهران ثبت شده است. همه شاکیان گفته بودند که کلاه‌های سرقتی را به آدرس سوله‌ای در خاور شهر فرستاده بودند، اما حالا متوجه شدند که او محل را تخلیه کرده و فرار کرده‌است.

یکی دیگر از شاکیان که فروشنده لوازم برقی در خیابان لاله‌زار بود، گفت مدتی قبل مردی وارد مغازم شد و سفارش خرید لوازم برقی به قیمت ۷۰میلیون تومان داد. او خودش را حسین احمدی معرفی کرد و بعد از دادن دو فقره چک خواست که بارش را به انبارش در خاور شهر ارسال کنیم. وقتی وارد انبارش شدم آنجا پر از اجناس زیادی بود به خاطر همین به آن مرد اعتماد کردم، اما وقتی موعد چک‌ها رسید، فهمیدم که همه آنها بی‌محل است.

کارآگاهان در بررسی شکایت‌ها متوجه شدند که کلاهبردار هادومردهم هستند که به یک شیوه‌ا فروشنندگان کالا کلاهبرداری کرده و کالاها را به انبار اجاره‌ای‌شان در خاورشهر منتقل کرده و هم‌زمان با فراسیندن موعد چک‌ها محل را تخلیه کرده و ناپدید شده‌اند.

در شاخه دیگری از تحقیقات، صورت دو متهم چهره‌نگاری شد. کارآگاهان با مراجعه به بانک اطلاعات مجرم‌ان سابقه‌دار موفق شدند یکی از آنها را که مجرم ۴۹ساله‌ای به نام حسین ع بود شناسایی کنند. حسین از سال ۷۹بارها به اتهام جرائم مختلف مثل جعل، کلاهبرداری، فروش اموال سرقتی و… بازداشت شد و به زندان افتاده بود. بعد از اینکه شاکیان او را به عنوان یکی از مردان کلاهبردار شناسایی کردند مخفیگاه او در منطقه شهران شناسایی و متهم بازداشت شد. او در اولین بازجویی‌ها گفت که تجهیزات ورزشی را به باشگاه ورزشی پسرش در غرب تهران اهدا کرده است که به دستور قاضی این وسایل توقیف شد.

حسین همچنین همدست ۴۱ساله‌اش داوود، س را که ساکن رباط کریم بود به پلیس معرفی کرد. تحقیقات پلیس نشان داد که داوود از مدتی قبل مشغول ساختن ویلا در کلاردشت است که مأموران پلیس با در دست داشتن نیابت قضایی راهی کلاردشت شده و او را بازداشت کردند.

سرهنگ کارآگاه بهزاد اختیاری، سرپرست پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با توجه به سوابق دو متهم در ارتکاب جرائم مرتبط با کلاهبرداری و احتمال افزایش شاکیان تحقیقات از دو متهم برای شناسایی جرائم بیشتر در پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه دارد. او ادامه داد: افرادی که به این شیوه مورد کلاهبرداری قرار گرفتند می‌توانند برای طرح شکایت به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در شهرری – خیابان آستانه مراجعه کنند.

### دزد قلک ۳۱لیونی بازداشت شد

مردی که متهم است قلک کسودک اهل قانقازان را سرقت کرده و فرار کرده ییود بازداشت شد. سرهنگ اسماعیل واعظی، فرمانده انتظامی شهرستان مقاومت کردم، سر این موضوع با هم درگیر شدیم و من را کتک زد و قرص‌ها را گرفت. بعد از آن محل را ترک کردم، اما ۱۰ دقیقه بعد در حالی که در یک دست چاقو و دست دیگر میله آهنی داشتم به آنجا برگشتم. کاظم و دوستانش هنوز دور هم جمع بودند که به کاظم حمله کردیم. با چاقو یک ضربه به سینه‌اش زدم. بعد با میله آهنی ضربه‌ای هم به سرش زدم که روی زمین افتاد و سپس فرار کرد تا اینکه بازداشت شد.

سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم به دست‌سوز قاضی برای تحقیق بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.